

برق به دوان بودند و به همین منظور کمکهای نقدی خود را برای آوردن برق به دوان به دست اندرکاران عمران دوان می دادند.

جدول ۴-۱۲: تعداد بیماران مراجعه کننده به درمانگاه دوان در ماههای مختلف سالهای

۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶

سال	ماه	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	جمع کل سالانه
۱۳۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳۴	۱۸۷	۱۱۷	۷۵	۸۶	۵۹۹
۱۳۵۸	۱۶۰	۱۶۶	۱۴۲	۱۶۰	۱۱۵	۱۰۳	۱۴۲	۹۱	۹۵	۱۲۵	۶۳	۷۱	۱۴۲۳	
۱۳۵۹	۴۵	۴۴	۲۲	۶۷	۲۶	۴۷	۵۸	۵۵	۱۲۵	۸۱	۶۴	۱۳۱	۷۶۵	
۱۳۶۰	۷۵	۶۵	۷۶	۹۸	۹۳	۸۱	۶۱	۱۱۱	۱۰۲	۵۷	۱۴	۶۹	۹۰۲	
۱۳۶۱	۸۱	۸۱	۴۰	۷۸	۶۰	۸۴	۲۶	۷۲	۳۶	۵۰	۴۸	۱۱	۶۶۷	
۱۳۶۲	۴۰	۲۶	۸۱	۱۱۹	۱۳۳	۱۷۶	۹۴	۱۷۵	۱۲۷	۹۱	۱۳۶	۱۲۸	۱۳۳۶	
۱۳۶۳	۹۱	۱۷۴	۱۵۷	۱۵۴	۱۱۶	۹۰	۱۳۷	۱۱۶	۱۲۳	۱۰۲	۱۲۲	۱۲۰	۱۵۰۲	
۱۳۶۴	۷۵	۱۳۴	۸۸	۱۴۴	۱۴۰	۱۱۸	۱۲۴	۱۵۲	۱۵۲	۲۲۰	۳۱۸	۱۹۳	۱۹۲۶	
۱۳۶۵	۱۴۰	۲۰۲	۱۶۳	۲۱۴	۲۴۰	۱۳۴	۲۲۶	۱۶۲	۱۵۶	۱۵۰	۲۶۷	۱۹۵	۲۲۴۹	
۱۳۶۶	۱۵۳	۲۰۰	۱۹۹	۲۰۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۵۴	

منبع: مستخرج از دفتر روزانه بهداشتی دوان.

کمکهای بی وقفه دوانی‌های ساکن در دوان و مهاجران دوانی و تلاشهای خستگی‌ناپذیر عده‌ای در اجرای طرح برق رسانی دوان باعث شد که در سال ۱۳۵۶ تقاضای دوانی‌ها برای برق به اداره برق کازرون مورد پذیرش آن اداره قرار گیرد. پس از واریز کردن کمکهای نقدی جمع‌آوری شده به حساب اداره برق کازرون، طرح مهیا و جای نصب تیرهای برق از کازرون به دوان و در داخل روستا معین گردید. در فاصله‌ای بسیار کوتاه و با همیاری و مشارکت مردم کلیه پایه‌های برق نصب، سیم‌کشی شروع و بالاخره انشعابات به شبکه متصل گردید.

در این پروژه طول شبکه فشار متوسط ۱۳ کیلومتر است. در محوطه روستا ۱۴۰ پایه برق نصب گردیده که جمعاً ۴۲۰۰ متر طول شبکه فشار ضعیف می باشد. کلاً ۳۳۸ انشعاب در روستا وجود دارد که از این مقدار ۳۱۶ انشعاب خانگی، ۱۸ انشعاب صنعتی و تجاری، یک انشعاب کشاورزی (مربوط به مرغداری)، ۳ انشعاب جهت شبکه آب آشامیدنی، ۵ انشعاب دولتی، و ۵ انشعاب متعلق به اماکن خیریه و متبرکه است. ناگفته نماند که از همه انشعابات خانگی بهره برداری نمی شود.

شبکه برق دوان در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۵ راه اندازی شد و با ورود برق به روستا، دوان جلوه ای دیگر یافت. برق در دوان تأثیر زیادی بر توسعه داشته است. در هر زمینه ای که تعمق شود ملاحظه می گردد که با ورود برق تغییرات اساسی حاصل گردیده است. برای مثال پس از ورود برق به دوان فروشگاههای دوان توانستند از یخچال و فریزر استفاده نمایند این امر باعث شد که اجناس مختلفی را به بازار روستا بیاورند و روی الگوی مصرف اهالی اثر بگذارند. در بقیه موارد اثرات به همین شکل بوده است. مثلاً از دیدگاه اجتماعی با ورود برق به دوان، اکثر خانه ها دارای تلویزیون شده اند که همین امر روی چگونگی ارتباط آنها با دنیای خارج اثر داشته است. کنترل شبکه برق دوان در دست اداره برق منطقه ای کازرون است.

قبرستانها و غسلخانه های دوان

دوان دارای دوازده قبرستان است که بنظر می آید روزی این قبرستانها منطبق بر طوایف دوازده گانه بوده است، اما امروز بعضی از آنها متروکه و در نتیجه تعدادی بین چند طایفه مشترك است: ۱- قبرستان طایفه فقها واقع در محل بالاست؛ ۲- قبرستان ورثه حاج علی محمد و قاسمی و افراد غریبه در بالای دوان زیر مرغداری حاجی زاده قرار دارد؛ ۳- قبرستان طوایف ملاحا، رئیس و زیر بلوطی ها واقع در زمین ملامحمد علی است که این قبرستان دارای یک غسلخانه جدید با آب و برق است؛ ۴- قبرستان هفت فرزندان واقع در زیر منبع آب پایین تل شك است؛ ۵- قبرستان طایفه خواجه ها، خدادیو، فخزو و جمالو واقع در غرب تَبلی شك است که دارای غسلخانه ای جدید با آب و برق می باشد؛ ۶- قبرستان طایفه دهداران واقع در پشت مدرسه علامه؛ ۷- قبرستان زیر بلوطی ها و قسمتی از دهداران واقع در پایین مدرسه علامه؛ ۸- قبرستان زیر

زیتون واقع در پایین حمام جدید که متعلق به طایفه تا شمساله و آخوندهاست؛ ۹ - قبرستان طایفه باپیر واقع در اطراف حیوأة الغیب است که دارای يك غسالخانه بود و امروز متروکه است؛ ۱۰ - قبرستان طایفه خواجه میرك واقع در قسمت پایینی مقبره آقا سیدهاشم است؛ ۱۱ - قبرستان طوایف محمدعلی جمال، فخر و جمالو واقع در زیر گروك است.

شورای اسلامی دوان

بررسی‌های گذشته این فصل نشان داد که عمران و آبادی دوان همیشه در چارچوب همیاری و تعاون انجام گرفته است. از طرف دیگر مسأله اختلاف سلیقه در روستا بر روی پروژه‌های عمرانی تأثیر دارد. لذا در دوان بعد از انقلاب که نهاد کدخدا از بین رفت و خلاءیی از این بابت احساس شد، بایستی نهاد شورای ده بوجود می‌آمد تا امور عمرانی و قضائی روستا را سازمان دهد. بر اساس مصوبه دولت چنین وظیفه‌ای را در روستاهای ایران به «شورای اسلامی روستا» واگذار نمودند. شورای اسلامی دوان در سال ۱۳۶۲ تشکیل شد. شورا دارای ۳ عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل است که برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند.

شورا دارای دو حساب بانکی است و مردم کمکهای خود را مستقیماً به حساب شورا واریز می‌کنند و شورا با نظارت کلیه اعضاء کمکها را برای مسائل عمرانی و خدماتی مصرف می‌نماید. کمکهایی که برای جبهه بوده است به صورت مستقیم جمع‌آوری و در اختیار ستاد پشتیبانی جنگ قرار می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که دوان همچون سایر روستاها دارای نیازهایی در رابطه با مسائل عمرانی و خدماتی است و انجام این امور از عهده يك نفر بر نمی‌آید لذا همیشه تعاون و همیاری جمعی از مسائل عمده این روستا بوده است تعاون و همیاری در دوان به صورت همکاری بنی دوانیان ساکن در دوان و مهاجران دوانی است و این شکل تعاون بهترین نوع تعاون برای روستاهایی است که مهاجر فرست هستند. بررسی ما از يك نمونه ۱۰۰ نفری مهاجران دوانی نشان داده است که علاقه شدیدی در کمکهای نقدی و غیرنقدی به عمران و آبادی دوان دارند.

تعاون در دوان به دو صورت بوده است: یکی تعاون رسمی و دیگری تعاون غیر رسمی. تعاون رسمی در چارچوب جمعیت نیکوکاران دوانی، جمعیت عمران و آبادی دوان، صندوق تعاون دوانی‌های مقیم مرکز و شرکت تعاونی دوان بوجود آمد که با ارزیابی فعالیت‌های آنها مشخص گردید که هیچکدام در فرآیند عمران و آبادی دوان موفق نبوده‌اند. در نوع دوم، دوانی‌ها به صورت غیر رسمی گردهم آمده و برنامه‌های عمرانی را از عامل بالقوه به بالفعل تبدیل نموده و در نتیجه کارهای عمرانی سنگینی را انجام داده‌اند. اگر چه این فعالیتها در مؤسسه‌هایی با سلسله مراتب رسمی سازماندهی نمی‌شود، اما همیشه از يك تقسیم کار، بر اساس توانایی‌های افراد، برخوردار است.

تعاون و همیاری و انجام پروژه‌های عمرانی در دوان همیشه با تضاد بین گروهها توأم بوده است. اما تضادهای موجود در دوان همیشه باعث بالا رفتن سطح کیفیت و کمیّت فعالیت‌های عمرانی و خدماتی گردیده است. اگر چه در مراحل برخوردها در کارهای عمرانی وقفه ایجاد نموده، اما در دراز مدت به نفع اهالی روستا شده است و دوانی‌ها از بابت بروز اختلاف عقیده و سلیقه هیچ نگرانی ندارند و پس از پایان هر پروژه عمرانی اتحاد و یگانگی مجدداً در بین دوانی‌ها ظاهر می‌گردد و گویی هیچگونه اختلافی وجود نداشته است.

بسیاری از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی وجود دارد که روستاییان به تنهایی قادر به انجام آن نیستند و حتماً باید دولت در انجام آنها نظارت یا کنترل داشته باشد. بعضی از پروژه‌های عمرانی در دوان با همکاری دولت انجام گرفته، از طرف دیگر بعضی از طرحها توسط خود اهالی بدون دخالت دولت به پایان رسیده، اما فشارهای مالی از یک طرف و بروز اختلافات در بین گروههای ذینفع از طرف دیگر باعث گردیده که دوانی‌ها نظرات مختلفی در رابطه با مشارکت دولت در برنامه‌های عمرانی روستای دوان داشته باشند. بر اساس يك نظر خواهی از نمونه ۱۰۰ نفری مهاجران دوانی، چنین نتیجه گیری شده است ۱۴ درصد معتقدند برنامه‌های عمرانی باید در دست دوانی‌های ساکن در دوان باشد، ۱۹ درصد بر این باورند که طرحها فقط در دست دولت باشد، ۵ درصد معتقدند که برنامه عمرانی فقط در دست دوانی‌های مهاجر باشد، ۶ درصد می‌خواهند که دوانی‌های ساکن در دوان و دولت مجری طرحها باشند، ۳ درصد بر این اعتقاد هستند که دولت با همکاری دوانی‌های مهاجر به کارهای عمرانی دوان پردازند، ۳۴ درصد، همکاری دوانی‌های

ساکن در دوان و مهاجران دوانی را مشترکاً مفید می‌دانند، و بالاخره ۱۹ درصد معتقدند که برنامه‌های عمرانی باید به صورت مشترك با همکاری دوانی‌های ساکن در دوان، دوانی‌های مهاجر و دولت انجام گیرد. در هر کدام از موارد بالا شورای اسلامی دوان می‌تواند يك نهاد مؤثر باشد. در مجموع فصل حاضر نشان داد که دوانی‌ها نسبت به مردم سایر روستاهای استان فارس در زمینه عمرانی و خدماتی فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند و قسمت اعظم این فعالیتها با خودیاری مردم بوده و در این روستا کمک‌های مهاجران بسیار مؤثر واقع گردیده است. بنظر می‌رسد که این همکاری و تعاون همچنان ادامه خواهد داشت.

فصل سیزدهم

علماء و مشاهیر دوان

مقدمه

در فصل اعتقادات و مذهب اهل دوان نشان داده شد که چگونه بعد از مسلمان شدن دوانی‌ها، این روستا مرکز رشد علمای اسلامی گردید، به طوری که در هر جا که از دوان نام برده شده بلافاصله بعد از کلمه دوان گفته‌اند «از این قریه علما و مشایخ برخاسته‌اند»^۱ از طرف دیگر مشخص شد که اهل این روستا مکاتب مختلفی را در مذاهب تسنن و تشیع طی نموده‌اند که این امر خود نشانگر آن است که علمای دوان از يك پویایی خاص برخوردار بوده‌اند.

در این فصل ابتدا به معرفی علمای سنی مذهب دوان می‌پردازیم. این دوره با شیخ علی بن احمد الخطیب شروع و به سعدالدین اسعد دوانی ختم می‌گردد. سپس به شرح عقاید ملا جلال‌الدین دوانی فیلسوف بزرگ قرن نهم که به لحاظ مذهبی در يك دوره انتقالی بین تسنن و تشیع قرار داشته می‌پردازیم. بعد از دوره جلال‌الدین دوانی با علمای شیعه دوان روبرو می‌شویم که تقریباً اکثر آنها از اعقاب ملامحمد جعفر دوانی اول بوده‌اند. در این دوره از شش نسل علمای شیعه دوان نام برده خواهد شد که در میان آنها علمای اخباری، اصولی و شیخی دیده می‌شود. در مجموع در این فصل از بیست‌ونو عالم نام برده خواهد شد که زندگی و ایده‌بعضی از آنها را به علت اهمیتشان به تفصیل شرح خواهیم داد و حتی رسالاتی را از آنها نام می‌بریم یا خلاصه‌ای

از آن را خواهیم آورد. هدف فصل حاضر معرفی علما و مشاهیر ناشناخته دوان از يك طرف و از طرف دیگر شناساندن عمیق تر علمای سرشناس دوان است تا بدین وسیله گوشه‌ای از خدمتی را که مردم این روستا به عالم اسلام نموده‌اند، نشان داده باشیم. برای این منظور علما و مشاهیر اهل دوان به ترتیب نسلی که در آن قرار داشته‌اند، معرفی می‌شوند.

شیخ علی بن احمد الخطیب

اولین عالمی که از دوان شناسایی شده شیخ علی بن احمد الخطیب (معروف به پیروز و همچنین مقری جفتقی)^۱ است که در نیمهٔ دوم قرن چهارم هجری در دیه جفتق کازرون به دنیا آمد.^۲ این شیخ از مریدان و قدماى اصحاب شیخ ابواسحق کازرونی (معروف به شیخ مرشد متوفی ۴۲۶ هجری قمری) قدس الله سرّه بوده و از جمله سالکان و صادقان راه او بوده است که روز و شب در متابعت از شیخ مرشد مشغول بوده.^۳

شیخ علی در کازرون در محضر شیخ مرشد بسر می‌برد و بنا بر گفتهٔ محمودبن عثمان «در پای منبر شیخ نشستی و قرآن خواندی».^۴ سپس آن شیخ در دوان سکنی گزید و به هدایت اهل دوان و رتق و فتق امور شرعی آنها می‌پرداخت و شیوهٔ تفکر مذهبی شیخ مرشد را اشاعه می‌داد و شافعی مذهب بوده است. شیخ علی بن احمد در تربیت دینی اهالی دوان همت بسیار می‌کرد و دو فرزند خود را به نامهای محسن^۵ و عبدالرزاق^۶ تعالیم مذهبی داد به طوری که هر دوی آنها نیز دو عالم بزرگوار شدند. ایشان فرزندان سوّهی به نام مسلم داشته‌اند.^۷

شیخ علی بن احمد در دوان به رحمت ایزدی پیوسته است^۸ و جسد شریفش را با احترام در دوان در محلی که تا قبل از دورهٔ اسلامی آتشکده بوده به خاک سپردند. آن بارگاه امروز معروف به «بقعهٔ شیخ عالی» است. بر مزار شیخ علی بن احمد الخطیب سنگ مقبره‌ای است صندوقی به خط کوفی که غیر از آیات شریفه بر آن (ر.ک. فصل معماری سنتی در دوان) دو مطلب مستفاد می‌شود:

(۱) محمودبن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۵.

(۲) همانجا: ۳۲۵.

(۳) همانجا: ۳۹۳، ۳۹۴.

(۴) همانجا: ۳۸۵.

(۵) همانجا: ۲۸۱.

(۶) شیخ‌الحکمانی، ۱۳۶۷: ۶۴.

(۷) شیخ‌الحکمانی، ۱۳۷۲: ۹۶.

(۸) محمودبن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۹۴.

اول نام صاحب مقبره است که نوشته «هذا قبر علی بن احمد الخطیب نورالله قبره»، و دوم تاریخ وفات است که آمده «توفی فی شهر رمضان سنه احدی و اربعین [و اربعمائه]. باید توجه داشت که کلمه اربعمائه نوشته نشده اما با شناختی که از صاحب مقبره بدست آمده تاریخ آن باید ۴۴۱ هجری قمری باشد.^۱

مقبره مذکور چند نظر بحث انگیز در پیرامون خود بوجود آورده است. اولین نظر این است که اهالی دوان این مقبره را منتسب به «شیخ عالی» می‌دانند و بر همین اساس شیخ محمدعلی بن محمد نبی دوانی در رساله خود به نام «رساله در شرح حال جلال‌الدین دوانی» که در زمان قاجاریه (۱۲۹۶ هجری قمری) به رشته تحریر در آمده بیان داشته «و در این بقعه شریفه سه بزرگوار مدفون است یکی شیخ عالی که صندوق سنگی روی مزار آنست و حوالی و روی آن به خط کوفی مکتوب است کل من علیها فان و آیه شهدالله الخ و هذا قبر الشیخ عالی بن شیخ مظفرالدوانی توفی فی شهر رمضان سنه چهارصد هجری...»^۲. با خواندن خط کوفی این مقبره مشخص شده که بر روی سنگ مقبره مزبور اسمی از شیخ عالی بن شیخ مظفرالدوانی وجود ندارد و تاریخ وفات هم صحیح بیان نشده است.^۳

نظر دوم این است که این مقبره مربوط به «شیخ علی دوانی» است. این نظر را اولین بار میرزا حسن حسینی فسائی در کتاب خود به نام فارسنامه ناصری آورده است. حسینی فسائی می‌نویسد که علامه دوانی در جوار «شیخ علی دوانی» که یکی از مشایخ مشهور پیش از وی بوده مدفون است.^۴ پس از حسینی فسائی، حجت‌الاسلام علی دوانی در کتاب خود به نام شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی این مقبره را متعلق به شیخ علی دوانی دانسته.^۵ به احتمال زیاد آقای علی دوانی به متابعت از میرزا حسن حسینی فسائی نام «علی دوانی» را بر صاحب مقبره اطلاق کرده است. اگر چه بر سنگ مزار کلمه «علی» وجود دارد، اما چون کلمه «دوانی» وجود ندارد، لذا نسبت دادن این مزار به «علی دوانی» هم نمی‌تواند صحیح باشد.

از آنجایی که علی بن احمد الخطیب شیخ بزرگواری برده و بین دوانی‌ها از احترام زیادی

(۲) دوانی، ۱۳۳۹: ۲۲۸-۲۲۹.

(۳) حسینی فسائی، ۱۳۵۷.

(۱) شیخ‌الحکمانی، ۱۳۶۷: ۶۲.

(۳) شیخ‌الحکمانی، ۱۳۶۷: ۶۲.

(۵) دوانی، ۱۳۳۳: ۱۹۵.

برخوردار بوده است، به احتمال قوی پس از فوت، معروف به «شیخ عالی» شده است. آنچه مسلم است این است که این مقبره از قدیم‌الایام در دوان معروف به مقبره «شیخ عالی» بوده است. چون در دوان در زیر همین بقعه شیخ دیگری به نام «شیخ عالی دوانی» (مربوط به دوره قاجاریه) مدفون است، لذا نباید با این شیخ عالی اشتباه شود و همچنین نباید تصور شود که نام این بقعه از نام شیخ عالی دوانی که در دوره قاجاریه می‌زیسته، گرفته شده است.

شیخ ابونعیم محسن

ابونعیم محسن فرزند علی بن احمد الخطیب است. این شیخ اهل روستای جفتق کازرون بوده و ابتدا در آنجا نزد پدر تعلیمات مقدماتی و شیوه صوفیه را فرا گرفته است. تا مدتها در جفتق بسر می‌برد تا اینکه بر سر مسأله پرداخت خراج مجبور می‌شود که روستای جفتق را ترک کند و خود به تنهایی و موقتاً در دوان ساکن شود. پس از مدتی اقامت در دوان، یکی از بزرگان دوان، شیخ را جهت وساطت نزد خورشید (معروف به دیلم گبر) حاکم کازرون می‌برد تا تخفیفی در خراج برای او بگیرد. حاکم تخفیف در خراج را مشروط به مراجعت شیخ ابونعیم به جفتق می‌داند. از آنجایی که شیخ ابونعیم از مریدان سرسخت شیخ ابواسحق کازرونی بوده، پیشنهاد حاکم را با شیخ در میان می‌گذارد و از او کسب تکلیف می‌نماید. شیخ ابواسحق چون نمی‌خواست که یکی از مریدانش به فرمان حاکم زرتشتی گردن گذارد، لذا به او وصیت می‌کند که اگر می‌خواهی اهل سعادت باشی در همان دوان بمان و شیخ ابونعیم هم بر وصیت قطب خود شیخ مرشد اطاعت می‌کند و به جفتق رفته اهل بیت را به دوان کوچ می‌دهد و ساکن دائمی دوان می‌گردد. شرح این قضیه را محمود بن عثمان از قول ابونعیم محسن در کتاب *فردوس المرشديه فی اسرار الصمدیه* چنین بیان کرده است:

«ابونعیم محسن بن علی بن احمد گوید اصل پدر من از دیه جفتق بود. لیکن از بهر خراج دیوانی که بنام من بود از آنجا بیرون آمدم و بدیه دوان رفتم و مقام کردم. روزی مهتر اهل دوان مرا بگرفت و به پیش خورشید مجوسی آورد که حاکم کازرون بود و از برای من دو دانگ از خراج که بنام من بود مسامحه خواست. بشرط آنکه باز گردم به دیه جفتق روم و بکار خویش مشغول شوم. پس بخدمت شیخ مرشد آمدم و حکایت باز گفتم و احوال خود عرضه داشتم تا شیخ چه

مصلحت می‌بیند شیخ قدس الله روحه العزیز گفت اگر خواهی بدیه دوان رو و بنده خدا باش، و اگر خواهی بدیه جفتق رو و بنده خورشید باش، بنگر تا کدام يك اختيار می‌کنی. من بقول شیخ برخاستم و بدیه جفتق رفتم و اهل و فرزندان خود برگرفتم و بدیه دوان آوردم و آنجا مقام کردم و از من بسیار خیرات بوجود آمد از برکات وصیت شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز.^۱

شیخ ابونعیم محسن از سالکان طریقت شیخ مرشد بوده و بیشتر ایام را در محضر او می‌گذرانده و اشارات شیخ را در سینه خود ضبط و بر کاغذ ثبت و نهایتاً توشه راه خود می‌نموده است. محمودبن عثمان در باب بیست و هشتم فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه در لطایفها اشارتها که شیخ مرشد فرموده چنین نقل می‌کند که:

«ابونعیم محسن بن علی بن احمد گوید شنفتم از شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز تفسیر قول الله تعالی الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان، و گفت چون زن يك طلاق دادن مراجعت می‌توان کرد و چون دو طلاق دادند مراجعت هم می‌توان کرد، اما چون سه طلاق دادند مراجعت برخاست و فراق افتاد. پس گفت ای برادر برحذر باش تا سه طلاق محبت حق تعالی ندهی و روی دل از مشاهده حق نگردانی و خود را از دایره اهل سنت و جماعت بیرون نیاری که چون این هر سه در شخص موجود گشت او را از حضرت عزت بیگانگی حاصل شد.»^۲

همچنین ابونعیم محسن به دقت به سؤالاتی که از شیخ مرشد می‌شده توجه داشته تا راه شیخ را دقیقاً آنچنانی که مد نظر شیخ بوده است بییماید. در باب بیست و هفتم کتاب سابق الذکر که در مورد سؤالاتی است که از شیخ مرشد کرده‌اند و جواب‌های آنها، محمودبن عثمان به نقل از ابونعیم محسن چنین گوید:

«محسن بن علی بن احمد گوید که از شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز سؤال کردند از آیتی قرآن که آخر حرف آن آیت حا باشد. الجواب، شیخ قدس الله سره سر در پیش افکند، پس سر بر آورد و بخواند اذا جاء نصر الله والفتح. بعد از آن

گفت چون سؤال کردند سر در پیش افکندم، در نصف اول تدبیر و تأمل کردم و نیافتم، پس سر بر آرودم و در نصف آخر تدبیر و تأمل کردم تا برسیدم بسوره اذا جاء نصر الله والفتح و در این آیت بیافتم.^۱

از آنجایی که شیخ ابونعیم پوینده راه قطب خود شیخ مرشد بود، در شریعت، طریقت و حقیقت بر شیوه شافعی بوده است. او به پیروی از شیخ مرشد معتقد بود که بنده باید در شریعت مستحکم، در طریقت ثابت قدم و در حقیقت استوار و مستقیم باشد.

شیخ ابونعیم محسن تا پایان عمر در دوان باقی ماند و در همانجا دار فانی را وداع گفت. از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست، اما قدر مسلم در نیمه دوم قرن پنجم وفات کرده است.

خطیب ابوسعید عبدالرزاق

خطیب ابوسعید عبدالرزاق یکی دیگر از فرزندان شیخ علی بن احمد الخطیب است که ساکن دوان بوده است.^۲ این شیخ نیز از صوفیه و مشاهیر پیرو شیخ ابواسحق کازرونی بوده که بر مذهب شافعی بوده است. وجود این شیخ بزرگوار و برادرش شیخ ابونعیم محسن در دوان باعث شده بود که این روستا به یکی از مراکز اولیه گسترش اسلام در منطقه کازرون در قرن پنجم هجری تبدیل گردد.

خطیب ابوسعید عبدالرزاق هدایت اهل دوان را بعهدہ داشت. از آنجایی که پیرو مسلک شیخ ابواسحق بود، همچون مرشد خود شیخ ابواسحق کازرونی در میان مردم بود و آن سبک متصوفه‌ای را که از خلق گریزان بودند و در تنهایی بسر می‌بردند، دوست نمی‌داشت. خطیب ابوسعید عبدالرزاق تا پایان عمر در دوان بسر برد و به تاریخ ۴۷۲ هجری قمری دارفانی را وداع گفت. مقبره او در دوان است که دارای سنگ مقبره هم می‌باشد.^۳ از ایشان دو پسر به نام‌های ابی‌القاسم زید (متوفی ۵۱۲ هجری قمری) و عبدالقدوس باقی ماند که آنها در دوان به خاک سپرده شده‌اند.^۴

(۲) شیخ‌الحکامی، ۱۳۶۷: ۶۶.

(۱) همانجا: ۲۸۱.

(۴) شیخ‌الحکامی، ۱۳۷۲: ۹۶.

(۳) همانجا: ۶۶.

خطیب ابوالعباس احمد

شیخ الخطیب السعید الحاجی ابوالعباس احمد بن مسلم بن علی نوه شیخ علی بن احمد الخطیب بوده که در قرن پنجم هجری قمری در دوان می‌زیسته است. ایشان نیز مانند جدّ بزرگوارش از مریدان طریقت شیخ مرشد بوده است. وی به سال ۴۷۸ هجری قمری وفات نمود و مقبره‌اش در گورستان هفت فرزندان دوان می‌باشد.^۱

خطیب ابی القاسم زید

شیخ الخطیب السعید الرشید ابی القاسم زید پسر عبدالرزاق و نوه علی بن احمد الخطیب بوده که در نیمه قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری قمری در دوان می‌زیسته است. او مانند پدر از مشایخ صوفیه و پیر و مسلک شیخ ابواسحق بوده است. این شیخ به سال ۵۱۲ هجری قمری وفات نموده و مقبره‌اش در گورستان هفت فرزندان می‌باشد.^۲

شیخ محمد خطیب

شیخ ابو عبدالله محمد خطیب یکی دیگر از مشایخ بزرگ قرن پنجم و ششم هجری قمری دوان فرزند عبدالقدوس بن عبدالرزاق بوده که او نیز از علمای اهل سنت بوده است.^۳ از شیخ محمد خطیب اطلاعات چندانی در دست نیست. آنچه مسلم است او تا پایان عمر در دوان به رتق و فتق امور می‌پرداخته، در سال ۵۳۵ هجری قمری در دوان وفات نمود و مقبره‌اش در سمت شمال روستای دوان معروف به گورستان «هفت فرزندان» است.^۴

مولانا محمد بن داوود

مولانا محمد بن داوود از علمای اهل سنت در قرن پنجم هجری قمری ساکن در دوان و شیخی باکرامت بوده است. اهل دوان برای او احترامی خاص قائل بوده‌اند به طوری که بعد از وفاتش مقبره او در تپه‌های تل کتک (tel-e katek) دوان محل نذر و نیاز دوانی‌ها گردیده است. به احتمال

(۲) همانجا: ۱۰۰.

(۱) همانجا: ۱۰۰.

(۴) شیخ الحکمانی، ۱۳۷۲: ۹۶.

(۳) دوانی، ۱۳۴۹: ۳۴۵.

زیاد این شیخ جزء آن دسته از صوفیه بوده که بیشتر به زندگی در تنهایی علاقه داشته است چون آرامگاه او تنها مقبره‌ای است در دوان که به فاصله خیلی زیاد از روستا قرار دارد و چنین بنظر می‌آید که محل زندگانی او آنجا بوده است. شیخ محمدعلی دوانی از او به عنوان یکی از مشایخ بزرگ نام برده است.^۱

* * *

از وضعیت علمای دوان در نیمه دوم قرن ششم و قرن هفتم هجری قمری اطلاعات چندانی در دست نیست و احتمالاً عالم سرشناسی در این دوره از دوان برنخاسته است.

مولانا عمادالدین احمد دوانی^۲

مولانا عمادالدین احمد دوانی از مشاهیر مشایخ متصوفه قرن هشتم هجری قمری در دوان متولد و بعدها یکی از صوفیان بزرگ فارس گردید. جنید شیرازی که همدوره این شیخ بزرگوار بوده در قرن هشتم در کتاب خود، مزارات شیراز از کرامات این شیخ نوشته است.^۳ این شیخ بزرگوار در اواخر قرن هشتم در شیراز به رحمت ایزدی پیوسته و جسد شریفش را بنا بر اظهار نظر شیخ جنید شیرازی در قبرستان حوالی مسجد جامع عتیق شیراز به خاک می‌سپارند. از این صوفی بزرگوار بیش از این اطلاعی در دست نیست.

سعیدالدین اسعد دوانی

در اوائل قرن نهم هجری قمری کودکی در دوان به دنیا آمد که بعدها در نیمه اول قرن نهم یکی از معروفترین فلاسفه مکتب فلسفی شیراز گردید. سعیدالدین اسعد دوانی پس از گذراندن پله‌های مقدماتی علوم در دوان برای تکمیل معلومات دینی خود به کازرون رفت. محیط علمی کازرون او را ارضاء نکرده، سپس تصمیم گرفت به شیراز که مرکز علمی آن زمان بوده برود. سعیدالدین اسعد دوانی نزد سیدعلی بن محمد معروف به میرسید شریف جرجانی (متوفی

(۱) دوانی، ۱۳۴۹: ۳۵۵.

(۲) در نسخه خطی کتاب شدالازرفی خط الازرار عن زوارالمزار موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به جای احمد نام محمود نوشته شده است.

(۳) جنید شیرازی، ۱۳۲۸، ۳۵۱.

۸۱۶ ه.ق) در مکتب فلسفی شیراز تحصیلات خود را کامل کرد و در واقع دست پروده این مکتب شد. در زمانی که او در شیراز به تحصیل مشغول بوده هم مکتبی‌های او همه از علمای درجه اول شیراز همچون قوام‌الدین کربالی، محی‌الدین گوشکناری، حسن شاه بقال و سیدالحکما محمدبن ابراهیم حسینی دشتکی شیرازی معروف به صدرالدین دشتکی و سیدسند بودند.^۱

شهید مطهری از سعدالدین اسعددوانی در طبقه هفدهم فلاسفه و حکمای اسلامی نام می‌برد که عمدتاً ناشر افکار محقق شریف و نماینده مکتب فلسفی شیراز در منطقه کازرون بوده است.^۲

سعدالدین صاحب روضات بوده و یکی از کتب معروف او السواد الاعظم است که تفسیر کبیری است.^۳ سعدالدین پس از پایان تحصیلات در شیراز به کازرون مراجعت نمود و به قطع و وصل قضایای شرعی و رتق و فتق امور دینی می‌پرداخت. در پایان عمر به دوان مراجعت کرد و منصب قضا را بعهده گرفت.^۴ سعدالدین اسعد دوانی آخرین عالم سنی مذهب دوان بوده است و بعد از اوست که دوران تشیع در دوان مسجّل می‌شود و فرزند او جلال‌الدین دوانی نهایتاً به تشیع می‌گراید. سعدالدین تا پایان عمر در دوان بوده و در همانجا رخت از این دنیا برسته و به احتمال قوی آرامگاه او در دوان است.

ملاجلال‌الدین دوانی

جلال‌الدین محمدبن سعدالدین بن محمدبن عبدالرحیم بن علی الصدیقی الدوانی معروف به «علامه دوانی»، «محقق دوانی»، «فاضل دوانی»، و بیش از همه «جلال‌الدین دوانی» که در نزد اهل دوان معروف به «مُل جلال» است، بزرگترین فیلسوف قرن نهم هجری قمری بوده است. او در سال ۸۳۰ هجری قمری در دوان متولد شد.

تاکنون افراد زیادی در مورد جلال‌الدین دوانی مطالبی را نوشته‌اند و هر يك جنبه‌ای از زندگانی او را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این قسمت از بحث سعی می‌شود که جلال‌الدین دوانی را در سه بُعد زیر مورد بررسی قرار داد: ۱ - ریشه‌های اندیشمندی جلال‌الدین دوانی، ۲ - آثار و نوشته‌های جلال‌الدین دوانی، و ۳ - نظریه‌های مختلف جلال‌الدین دوانی.

۱) مطهری، ۵۷۶: ۱۳۶۰.

۲) همانجا.

۳) تویسرکانی، ۲۳: ۱۳۶۴.

۴) صدیقی، ۴۲: ۱۳۶۴.

ریشه‌های اندیشمندی جلال‌الدین دوانی

جلال‌الدین دوانی در طول عمر علمی خود تحت تأثیر افراد مختلف، مکاتب متنوع، و بالاخره موقعیت‌های گوناگونی قرار گرفته که هر کدام به نحوی بر شکل‌گیری عقاید و نظریات او مؤثر واقع گردیده‌اند. جلال‌الدین در دوان پله‌های علوم مقدماتی عصر را یکی پس از دیگری نزد پدر طی کرد و چون در دامان پدری دانشمند پرورش می‌یافت، ابتدا تحت تأثیر او قرار گرفت که علاوه بر سمت پدری حق استادی هم نسبت به او داشته است.

جلال‌الدین بعد از فراگیری علوم مقدماتی در دوان، برای تکمیل تحصیلات خود به حوزه فلسفی شیراز که مرکز علمی زمان و مجمع فضلا بود، رفت. ابتدا در شیراز به مجالس درس دو عالم دانشمند یعنی مولانا محی‌الدین گوشکناری و خواجه حسن شاه بقال حاضر و تحت تأثیر این دو استاد واقع شد. سپس در محضر همام‌الدین کلباری حضور یافت و نزد وی به مطالعه بعضی علوم متفرقه پرداخت و قسمتی از فنون متداوله را از وی فرا گرفت. جلال‌الدین که می‌خواست در جمیع علوم و همه فنون استاد شود در مجلس درس شیخ صفی‌الدین ایچی شیرازی که استاد مسلم علم حدیث بود حاضر شد و این علم را از او آموخت. و بالاخره باید از قوام‌الدین کربالی که استاد مسلم علوم معقول و منقول بوده است نام برد که جلال‌الدین تحت تأثیر او بوده است.^۱

در میان معاصران و ضمناً رقبای جلال‌الدین، امیر صدرالدین دشتکی شیرازی و فرزندش میرغیاث‌الدین منصور شیرازی را نام می‌بریم که با وی مجادلات و مناظرات علمی سنگینی داشته‌اند. مناظرات جلال‌الدین با امیر صدرالدین به صورت حاشیه‌های پی در پی بوده که این دو فیلسوف بر شرح تجرید قوشچی نوشتند که ایراد بر نظریات یکدیگر بوده و لذا تأثیر زیادی بر یکدیگر داشته‌اند. عبدالرحمن جامی با جلال‌الدین دوانی دوست صمیمی بوده است و در موقعی که جلال‌الدین به هرات سفر کرده با جامی ملاقاتی داشته است. جلال‌الدین پس از مراجعت به شیراز با جامی نامه نگاری داشته و از یک رباعی که در نامه‌اش به جامی نوشته معلوم می‌شود که جامی بر او تأثیر زیادی داشته است.

ای از تو مرا بهر حدیثی صد ذوق در گردن من سلسله مهر تو طرق
در دیده من اگر سوادى باقیست دو دیست که جمع گشته از آتش شوق
جلال‌الدین تحت تأثیر اندیشمندان قبل از خود نیز قرار گرفته است. از مهمترین افرادی که
جلال‌الدین تحت تأثیر آنها بوده خواجه نصیرالدین طوسی است. کتاب اخلاق جلالی او بر
اساس طرح کتاب اخلاق ناصری است و در بسیاری موارد شباهت بحث وجود دارد ولی دوانی
در تألیف آن از آیات قرآنی، احادیث نبوی و گفتار صحابه و بیانات دل‌انگیز عرفا سود جسته و
کتاب خود را هنرمندانه با آنها آرایش داده است. از افراد دیگری که باید نام برد خواجه حافظ
شیرازی است که جلال‌الدین بر سبک و شیوه او شعر می‌گفته است.

از آنجایی که جلال‌الدین دوانی در ابتدای عمر سنی مذهب بوده است، لذا تحت تأثیر مذهب
اهل سنت بوده و بسیاری از نوشته‌هایش تحت نفوذ این اعتقاد و طرز تفکر بوده است. در مذهب
تسنن، او پیرو مکاتب شافعی و اشعری بوده است. از شرح عقاید عضدیه او پیداست که دربادی
امر پیرو مذهب اشاعره بوده است. به نظر جلال‌الدین تنها فرقه ناجیه اشاعره است زیرا شیعه امامیه
با معتزله در بسیاری از اصول عقاید موافقت دارند و تنها فرقه‌ای که با معتزله و غیر آنها از سایر
فرق اسلام مخالف می‌باشند، اشاعره است چه که اشاعره پایبند به چیزهایی هستند که هیچکس از
فرق مسلمین در اصول به آن عقیده ندارند.

جلال‌الدین پس از اینکه در اثر تتبع به مذهب تشیع می‌گراید، یکی از مهمترین آثار خود به نام
تورالهدایه را تحت تأثیر این مذهب به رشته تحریر در می‌آورد. از اشعاری که در وصف
حضرت علی (ع) سروده معلوم می‌گردد که به مقدار زیادی متأثر از آن حضرت بوده است:
از مهر علی کسی که یابد عرفان نامش همه دم نقش کند بر دل و جان
این نکته طرفه بین که ارباب کمال یابند زبیتات نامش ایمان
جلال‌الدین تحت تأثیر مکتب اشراق و بخصوص سهروردی بوده است. او تحت تأثیر این
مکتب کتاب الزواری را در الهیات نوشته و در آن ارزیابی انتقادی از علم کلام و از تعالیم علما،
حکما و عرفا از دیدگاه مکتب اشراق دارد. جلال‌الدین در نجف اشرف فلسفه اشراق را درس

می‌داده است.^۱ و بالاخره در اخلاقیات تحت تأثیر مکتب و نظریه ارسطوئی «حد وسط» بوده است. این تأثیر را از کتاب اخلاق جلالی او می‌توان درک کرد.

موقعیت‌های مختلف بر شکل بندی نظریات جلال‌الدین اثرات زیادی داشته‌اند. جلال‌الدین در طول عمر خویش مسافرت‌های زیادی نمود که در این سفرها از طریق تماس با دانشمندان و رجال آن ولایات تجربه‌ها آموخت. بنابر دعوت سلطان یعقوب بایندری به دارالسلطنه تبریز رفت. در این شهر با یکی از فضیلائی زمان به نام شیخ ابواسحق نیریزی مجادله‌ای طولانی داشت. در سفر عراق بعد از ورود به بغداد در نجف در محضر شیخ شرف‌الدین فتال که از افاضل فقها و مجتهدین شیعه بود حاضر گشت. در این شهر حکمت اشراق درس می‌داد. در سفر هرات و هند با علمای آن خطه به بحث و مجادله پرداخت و تحت تأثیر آنها کتابهایی نوشت. در سفر به گیلان و کاشان به همین طریق با فضلا و دانشمندان آن دیار مجالس بحث و فحص داشته که همگی بر افکار او تأثیر داشته‌اند.^۲

در روزگار جلال‌الدین دوانی دربار سلاطین مجمع اهل فضل و کمال و محل آمد و رفت فیلسوفان بوده است. وجود اندیشمندان در دربار، يك تأثیر متقابل بوجود می‌آورده است: از يك طرف سلاطین از سرمایه دانش آنان در مملکت داری استفاده می‌کردند، و از طرف دیگر اندیشمندان در میدان کار تجربیاتی می‌آموختند که نهایتاً بر اندیشه آنها تأثیر می‌گذاشت. جلال‌الدین در طول عمر خود با سلاطین زیر در ارتباط بوده است: در زمان سلطان یوسف بن میرزاجهانشاه در شیراز به وزارت رسید؛ با سلطان ابوسعید حکمران فارس میانه‌گرمی داشت؛ در سفر هندوستان که به دعوت سلطان محمود کجراتی بود، رساله‌ای در تحقیق عدالت به نام رساله عادلیه برای سلطان نوشت؛ از طریق مکاتبه مشکلات مملکت داری سلطان با یزید عثمانی را رفع می‌کرد؛ کتاب اخلاقی جلالی را به صورت راهنمایی برای سلطان حسن بیک و پسرش سلطان خلیل بایندری نوشت؛ سلطان یعقوب بایندری منصب قاضی القضاة ایالت فارس را به جلال‌الدین واگذار کرد؛ مورد احترام سلطان بایستقر و سلطان رستم بایندری بود؛ و بالاخره جلال‌الدین تفسیر سوره اخلاص را برای سلطان ابوالفتح بایندری تألیف نمود.^۳

آثار و نوشته‌های جلال‌الدین دوانی

در ایامی که جلال‌الدین در شیراز بود، دانش پژوهان از چهارگوشه جهان برای کسب فیض از محضر او راهی شیراز می‌شدند. حاصل جلسات درس و بحث او یک دسته آثار به فارسی و عربی است که در زمینه‌های مختلف بوده است. «بروکلمان» محقق آلمانی نام هفتاد اثر جلال‌الدین دوانی را ثبت کرده است،^۱ اما در متون فارسی نام ۸۴ اثر وجود دارد^۲: ۷ اثر در تفسیر؛ ۲۳ اثر در حکمت، فلسفه و کلام؛ ۸ اثر در فقه، اصول و حدیث؛ ۸ اثر در منطق؛ ۴ اثر در هیأت و هندسه؛ ۷ اثر در ادبیات؛ و بقیه در علوم متفرقه. آثار علمی این دانشمند بیشتر در خارج از ایران چون مصر، هند، استانبول، بغداد، پترزبورگ و لندن به چاپ رسیده است. مهمترین آثار علامه دوانی عبارتند از:

- ۱ - اثبات الواجب (چاپ اسلامبول).
- ۲ - اثبات الواجب جدید (خطی).
- ۳ - اخلاق جلالی یا لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق (به فارسی چاپ هندوستان و به انگلیسی چاپ لندن)^۳.
- ۴ - افعال العباد و یا خلق الافعال و یا خلق الاعمال و یا الجبر و الاختیار (ضمن مجموعه‌ای به نام کلمات المحققین به سال ۱۳۱۵ در تهران چاپ شد و همچنین ضمن مجموعه‌ای به نام الرسائل المختاره به سال ۱۳۶۴ در اصفهان به چاپ رسیده).
- ۵ - انموذج العلوم (خطی).
- ۶ - تحفه روحانی یا رساله‌ای در خواص حروف (به فارسی خطی).
- ۷ - تفسیر سوره اخلاص (ضمن مجموعه‌ای به نام الرسائل المختاره به سال ۱۳۶۴ در اصفهان به چاپ رسیده).
- ۸ - حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی (خطی).

(۱) صدیقی، ۱۳۶۴: ۴۲.

(۲) برای اطلاع یافتن از نام کلیه آثار علامه دوانی مراجعه شود به: دهباشی، ۱۳۷۵: ۵۱-۴۰.

(۳) اخلاق جلالی تحت عنوان *The Practical Philosophy of Mohammadan People* توسط W.F. Thompson در سال ۱۸۴۹ میلادی در لندن به انگلیسی ترجمه و منتشر شده است.

- ۹ - حاشیه بر الزوراء یا شرح الزوراء (خطی).
- ۱۰ - حاشیه بر شرح اشارات (خطی).
- ۱۱ - حاشیه بر شرح تجرید علامه قوشچی (خطی).
- ۱۲ - حاشیه جدید بر شرح تجرید قوشچی (خطی).
- ۱۳ - حاشیه اجد بر شرح تجرید قوشچی (این سه حاشیه را طبقات جلالیه می‌نامند).
- ۱۴ - حاشیه بر اوائل شرح عضدی بر مختصر اصول ابن حاجب (خطی).
- ۱۵ - رساله‌ای در اثبات تکلم حق جل و علا (خطی).
- ۱۶ - رساله‌ای در تحقیق جبر و اختیار (خطی).
- ۱۷ - رساله عرض نامه (فارسی - خطی).
- ۱۸ - الزوراء^۱ (چاپ قاهره و ضمن مجموعه‌ای به نام الرسائل المختاره در سال ۱۳۶۴ در اصفهان به چاپ رسید).
- ۱۹ - شرح عقاید عضدی (چاپ هندوستان، پترزبورگ و استانبول).
- ۲۰ - شرح رباعیات خود برای قیصر روم (خطی).
- ۲۱ - نورالهدایه (چاپ به فارسی قم توأم با شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی و ضمن مجموعه‌ای به نام الرسائل المختاره در اصفهان به سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است).

نظریه‌های مختلف جلال‌الدین دوانی

جلال‌الدین دوانی در زمینه‌های مختلف دارای نظریات ابداعی و مستقل بوده است. او همچون اکثر اندیشمندان در طول عمر بر يك عقیده باقی نمانده است، بلکه هر چه بیشتر از عمر روی می‌گذشت بر اثر تحقیقات و کنجکاویها، نظریات محکمتری را عرضه می‌کرده است. برای نشان دادن استحکام نظری او، در زیر به بررسی چند زمینه نظری او می‌پردازیم.

الهیات

جلال‌الدین در کتاب شرح عقاید عضدیه بر اساس اعتقاد بر مذهب اشعری موافق با آنچه

(۱) این رساله را که روضه امیرالمؤمنین (ع) است، جلال‌الدین يك روز سراپا ایستاده و نوشته است (مجله دانشمند، ۱۳۶۲).

اهل سنت بدان پایبند هستند، داد سخن سر داده است. سپس در کتاب نورالهدایه خود متعصبین اهل سنت و جهان سایر فرق را که در امور اعتقادیه پایبند تعصب بودند در پیشگاه عقل سالم محکوم کرده و به تحقیق می‌پیوندند. در این کتاب الهیات را بر اساس مذهب تشیع مطرح می‌کند. جهان‌شناسی او از صدور تدریجی عقول عشره، افلاک تسعه، ارکان اربعه و موالید ثلاث تشکیل یافته است، عقل فعال فلک قمر، شکاف میان آسمان و زمین را پر می‌کند. دوانی با نقل حدیثی از پیامبر (ص) که عقل شریفترین مخلوقات است، عقل را با ذات محمدی یکی می‌داند، و آن مثال تمام چیزهای گذشته و اکنون و آینده است. افلاک که طبعاً ساکنند، ولی کیفیت آنها تغییر می‌کند، سرنوشت جهان مادی را در دست دارند. موقعیتهای تازه با انقلاب افلاک حادث می‌شود، و عقل فعال هر دم صورت تازه‌ای بوجود می‌آورد تا خود را در آینه هیولای اولی منعکس سازد. عقل فعال با گذشتن از صورت جمادی و نباتی و حیوانی، سرانجام در انسان به صورت عقل مستفاد ظهور می‌کند و بدین گونه نقطه نهایت بر نقطه بدایت منطبق می‌شود و دایره وجود با دو قوس نزولی و صعودی تکمیل می‌شود.^۱

اخلاقیات

دوانی در زمینه اخلاق، آرمان اخلاقی را با آرمان دینی یکی می‌انگارد. نظریه اخلاقی دوانی مبتنی بر پایگاه یا موقع انسان در جهان است و این پایگاه را خداوند تعیین کرده است نه خود انسان و این همان خلافت الهی انسان است. شاهره و وصول به این پایگاه رفیع، حکمت بالغه است. حکمت بالغه از طریق بینش عقلانی و نیز شهود عرفانی بدست می‌آید.^۲

دوانی تحت تأثیر عملیات قرآنی اعتدال و نیز نظریه ارسطویی حد وسط، بر آن است که اعتدال در تمام امور خیر ساز است، ولی اعتدال را با «عقل» و «حزم»، چنانکه ارسطو می‌پنداشت، نمی‌توان تعیین کرد، تعیین کننده آن شریعت الهی است. عقل در نهایت می‌تواند شکل و صورت اخلاق را تعیین کند. محتوای اخلاق فقط از قانون الهی سرچشمه می‌گیرد.

ادبیات

جلال‌الدین مرد ادب و شاعری زبردست بوده که در شاعری به سبک حافظ بوده است. منظور

این است که لطائف حکمی را با نکات قرآنی جمع کرده و بیشتر به عمق مطلب پرداخته و کمتر عبارت پردازی کرده است. اشعارش شامل رباعیات، غزلیات و قطعات است. در اشعارش تخلص‌های «دوانی»، «جلال» و «فانی» را آورده است.

رباعی زیر از جلال‌الدین دوانی است:

آن شوخ که نور چشم تاریک من است هجران و وصال او بد و نیک من است
در چشم من است و غائب از چشم من است من دورم ازو زبس که نزدیک من است
غزل زیر طبع والای او را می‌رساند:

از تو تا مقصود چندان منزلی در پیش نیست یک قدم بر هر دو عالم نه که گامی بیش نیست
بینی درویشی ار خواهی کمال نیستی است هر که را هستی خود باقی بود درویش نیست
بندگی کن عشق را وز کفر و دین آزاد باش کز جدال آسوده باشد هر کسی راکیش نیست

بالاخره باید از قطعات او یاد کرد که عمدتاً در مدح مولا علی (ع) بوده است:

آن چهار خلیفه‌ای که دیدی همه نغز بشنو سخنی لطیف و شیرین و ملغز
بادام خلافت ز پی‌گردش حق افکنند سه پوست تا برون آید مغز
بعضی از اشعار پراکنده او گویای وضع زندگانی‌اش بوده است. از آن جمله است:

مرا به تجربه معلوم گشت در آخر حال که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

فلسفه

جلال‌الدین دوانی سنت علوم فلسفی را با نوشتن شرح برهیاکل نور و با غنا بخشیدن به حکمت اشراق در آثار خود، احیا کرد. او با الهام از حکمت اشراق شهاب‌الدین، میان فلسفه و عرفان هماهنگی کامل می‌دید. آنچه عارفان «می‌بینند»، فیلسوفان «می‌دانند» و آنچه فیلسوفان «می‌دانند»، عارفان «می‌بینند». جلال‌الدین علاوه بر احیا فلسفه، پایه‌گذار طریقه فلسفی خاصی است که به «ذوق تاله» در میان فیلسوفان مکتب اصفهان مشهور است. در میان عناصر ابتکاری تفکر فلسفی که او مبتکر آن است طریقه منطقی معروف به «جذر اصم»^۱ است که در نیمه آخر قرن

(۱) مقصود از «جذر اصم» مغلظه بظاهر راست نامست در حالی که در باطن هم غلط و هم مشکل است.

بیستم در میان منطقیان غرب با عنوان «پارادوکس» مشهور شده و امروزه موضوع مباحث فراوانی در میان علمای منطق است.^۱ در همین رابطه رساله‌ای در حل مغلطه مشهور به جلد راصم نوشته است.

اقتصاد

از نظر دوانی اقتصاد عبارت است از تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات ضروری به حد ضرورت. او جزء اولین کسانی است که در نظریات اقتصادی خود از ریاضیات استفاده کرده است.^۲ نظریه‌های اقتصادی جلال‌الدین در سه بُعد مطرح شده است: اقتصاد فرد، اقتصاد خانواده و اقتصاد جامعه.

در رابطه با اقتصاد فرد، دوانی از مفاهیمی نظیر قناعت، حُریت و صلۀ رحم یک محتوای اقتصادی ارائه می‌دهد. قناعت «... استخفاف نفس ست بماکل و مشارب و ملابس و غیرها و اکتفا بقدر ضرورت از جهت استهانت بآن نه از جهت حرص جمع مال که آن تقتیرست و شرعاً و عقلاً مذموم بخلاف اول که بکمال محمدت موسومست...»^۳ در رابطه با حریت بیان می‌دارد «... و آن مکتت اکتساب مالست از مکاسب جمیله لائقه و صرف آن در مصارف فائقه و امتناع از مزاولت مکاسب ذمیمه و صرف در مصارف قبیحه»^۴ و بالاخره «... صلۀ رحم آنست که خویشاوند خود را در ثروت و رفاهیت با خود شریک گرداند و همچنانکه قرابت صوری را حقیقت قرابت معنوی را که تناسب روحانیت و آن را قرابت و قرابت الهی خوانند حق صلۀ نگهدارد بلکه رعایت حق آن او که او حق است»^۵

دوانی علت پیدایش خانواده را نیاز به غذا و تناسل می‌داند. خانواده از نظر او باید دارای سیاست موا غذایی و ثروت باشد. به نظر وی باید برای مواقع ضروری و از جهت احتیاط، مواد غذایی ذخیره کرد و ذخیره باید از غذاهای متنوع باشد. خانواده باید به تحصیل، حفظ و خرج در آمد توجه داشته باشد. منابع تحصیل در آمد زراعت، تجارت و صناعت است. مصرف باید کمتر

(۲) توانایان فرد، ۱۳۶۱: ۳۹۱.

(۴) همانجا: ۶۶.

(۱) حمید، ۱۳۵۵: ۲۰.

(۳) دوانی، ۱۲۸۳: ۶۵.

(۵) همانجا: ۷۲.

از درآمد خانواده باشد و مقداری از درآمد که مصرف نمی‌شود، پس انداز گردد. مخارج بر سه قسم است: مخارج شرعی، مخارج جودی و مخارج دفاعی.^۱ در توضیح اقتصاد جامعه، دوانی مرگ انسان را در مرگ تعاون اجتماعی می‌داند. به اعتقاد وی، اگر افراد يك جامعه با یکدیگر تعاون نداشته باشند و تقسیم اجتماعی کار انجام نگیرد، انسان هلاک خواهد شد. دوانی نظر خود را چنین عرضه می‌کند که «... و بیان احتیاج انسان بمعاونت نوع خود در بقای شخص آنکه اگر شخصی را به نفس خود و در تربیت غذا و مسکن و لباس و سلاح و اسباب و مبادی هر يك بایستی کرد چنانچه او را ادوات نجاری و حدادی و غیر ذلك از صناعات محتاج الیها بدست بایستی آورد و بعد از آن بنفس خود بهر يك از اشغال قیام نمود تا غذا و لباس و مسکن او حاصل شدی هر آینه درین مدت که بترتیب اسباب مقدمات مشغول بودی بی غذا و لباس و مسکن ماندی و مودی بهلاک او شدی...»^۲.

آموزش و پرورش

جلال‌الدین دوانی یکی از مهمترین اندیشمندان کلاسیکی است که در باب آموزش و پرورش نظریاتی ابراز داشته است.^۳ به عقیده وی در آدمی مایه خیر و شر هر دو موجود است. تمام خفیات، چه فطری و چه اکتسابی، قابل اصلاح و تغییرند. آموزش و انضباط و تنبیه منظم، چنانکه تجربه نیز ثابت کرده است، می‌تواند انسانی شریر را به انسانی متقی بدل سازد. از این راه می‌توان شر را سخت کاهش داد، و یا حتی یکسره از میان برد. از آنجا که از پیش هرگز نمی‌توان گفت که يك شر خاص تا چه حد در مقابل اصلاح و تغییر مقاومت می‌کند، شرط عقل و دین هر دو این است که نهایت کوشش خود را برای اصلاح به کار بریم.^۴ از نظر دوانی در طبیعت کودک باید نظر کرد و از احوال او تفرس جویند که استعداد کدام علم و صنعت بیشتر دارد او را بآن مشغول دارند چه بمقتضای کل میسر لماخلق که هر کس را استعداد هر صنعت نیست بلکه هر يك را استعداد صنعتی خاص است.^۵

(۱) دوانی، ۱۲۸۳: ۱۹۱، ۱۹۷.

(۲) دوانی، ۱۲۸۳: ۴۷، ۵۷.

(۳) صدیق، ۱۳۳۲: ۲۲۶.

(۴) دوانی، ۱۲۸۳: ۴۷، ۵۷.

(۵) دوانی، ۱۲۸۳: ۲۱۲.

جامعه شناسی

جلال‌الدین دوانی دارای تحلیل‌های جامعه‌شناختی اندام‌واره و سیستمی است. او معتقد است که جوامع از مجموع زیر سیستم‌هایی تشکیل شده (همچون سیستم اقتصادی) که بر اثر وجود حاکم و حکومت تعادل در درون هر سیستم و بین سیستم‌ها موجود است. مثلاً اقتصادی را سالم می‌داند که کلیه بخش‌های آن در حالت تعادل و هماهنگی با یکدیگر به مثابه یک هیكل واحد عمل می‌کنند. او عامل بر هم زنده تعادل اجتماعی را آسیب‌های اجتماعی می‌داند.^۱

بر اساس این دید است که دوانی جوامع بشری را به دو دسته تقسیم می‌کند: «یکی آنکه سبب آن از جنس خیرات باشد و آن مدینه فاضله است، دوم آنکه سبب آن از جنس شرور باشد و آن را مدینه غیر فاضله خوانند.»^۲ مدینه فاضله او از پنج گروه تشکیل شده است: گروه افاضل، گروه ذوالسنه، گروه مقدران، گروه مجاهدان، و گروه ارباب اموال.^۳ در بین این گروه‌های اجتماعی تحرك اجتماعی نه تنها وجود دارد بلکه باید آن را رواج داد. به طور کلی مدینه فاضله دوانی ذهنی نیست بلکه بر اساس واقعیت‌های اجتماعی بوده است.

جمعیت شناسی

جلال‌الدین دوانی قرن‌ها قبل از مالتوس نظریه‌های بدینانه‌ای در مورد جمعیت ارائه کرده است. از نظر او «... اگر موت نبودی نوبت مطالب و رغائب بما نرسیدی... چون بر افراد انسانی قسمت رود هر يك را آنقدر زمین نرسد که پای بر آن نهاد و راست بایستد تا اگر خواهند که همه دستها بر داشته و بهم چسبیده بایستند در روی زمین ننگجند چه جای نشستن و خفتن و حرکات ضروریه و هیچ موضع جهت دفع فضلات و عمارت و زراعت نماند...»^۴

سیاست

از نظر جلال‌الدین دوانی سیاست مدن به معنی علم کشوری‌داری است. نظام سلطنت بهترین صورت حکومت است و در آن سلطان دومین حاکم عدالت است، اولین حاکم البته شریعت است.

(۲) همانجا: ۲۶۰، ۲۷۷.

(۱) همانجا: ۱۳۴ - ۱۳۵ و ۲۷۷.

(۴) همانجا: ۲۶۸، ۲۹۹.

(۳) همانجا: ۲۶۶، ۲۶۷.

دوانی پس از آنکه اصول کلی عدالت توزیعی و تصحیحی را عیناً از اخلاق ناصری نقل می‌کند، خود چند اصل اخلاقی بر آن می‌افزاید که باید سلطان مراعات کند تا اجرای درست عدالت میسر گردد. اول آنکه سلطان باید در قضاوت همواره خود را در جانب مظلوم بنگارد تا آنچه را بر خود نمی‌پسندد، بر مظلوم نیز نپسندد. دوم در کار دعاوی سرعت عمل را مرعی دارد. سوم، در لذات جنسی و جسمانی فرو نرود که سرانجام آن خرابی دولت است. چهارم در رضای خلق رضای حق را بجوید. پنجم، نباید رضای خلق را به بهای عدم رضایت حق بخرد. ششم، آنجا که تصمیم با اوست عدالت را اجرا کند، ولی اگر از او تقاضای رحم شود، عفو را بر عدالت ترجیح نهد. هفتم، با پرهیزگاران محشور باشد و گوش به نصایح آنها بسپرد. هشتم، هر کس را در مقامی که حق اوست باز نشاند و مناصب عالی را به پست زادگان نسپرد. نهم، نباید تنها به آن راضی شود که خود از بیعدالتی دوری گزیند، بلکه باید جریان امور حکمت را چنان برقرار سازد که هیچکس از عمال او متهم به بیعدالتی نگردد.^۱

وفات جلال‌الدین دوانی

در سال ۹۰۸ هجری قمری که اوضاع شیراز دگرگون شده بود و قتل و غارت و آشوب و بلوا و کشمکش‌های دینی و نزاع سنی و شیعه در گرفته بود، جلال‌الدین عزم خود را جزم و شیراز را به طرف زادگاهش دوان ترک گفت. نرسیده به پُل آبگینه واقع در حومه کازرون خیمه و خرگاهی دید که متوجه می‌شود اردوگاه سلطان ابوالفتح بایندری حاکم کرمان است که دو ماه قبل شیراز را فتح کرده و بر ایالت فارس استیلا یافته بود. سلطان، جلال‌الدین را به گرمی در اردوگاه خود می‌پذیرد. جلال‌الدین در این اردوگاه به علت کهولت و بیماری سه روز بیشتر در قید حیات نبوده و در روز سه‌شنبه نوزدهم ربیع‌الثانی سال ۹۰۸ هجری قمری بدرود حیات می‌گوید. چون به قصد دوان از شیراز حرکت کرده بود به امر سلطان ابوالفتح سربازان و امرای اردو طی تشریفات باشکوهی جسدش را به دوان بردند و در مقبره شیخ عالی دوانی دفن کردند.^۲ مرگ جلال‌الدین ضربه سنگینی بر محافل علمی آن زمان زد به طوری که در سوگ او سروده‌اند: